

الگویابی رقابت‌های مکانی ناشی از مهر مکان در نواحی متجانس فرهنگی

(مطالعه‌ی موردی: شهرهای اردکان و میبد در استان یزد)

زهرا احمدی پور* - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس
مصطفی قادری حاجت - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس
رضا ملا حسینی اردکانی - کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۰۶/۱۹ تأیید نهایی: ۱۳۹۰/۱۲/۱۷

چکیده

مکان علاوه بر بُعد مادی، از بُعد غیرمادی نیز برخوردار بوده و احساساتی را در ساکنان خود ایجاد می‌کند. به واسطه‌ی این احساسات، نوعی تعلق به مکان در افراد ایجاد شده که به شکل‌گیری هویت مکانی منجر می‌شود و از این نیروی معنوی، به‌عنوان حس مکان یاد می‌شود. تعلق مکانی، به‌عنوان نتیجه‌ی منطقی زندگی اجتماعی انسان در یک مکان جغرافیایی خاص، در همه‌ی دوران‌های تاریخی وجود داشته است و احساس متفاوت بودن از دیگران، زمینه‌ساز بروز رقابت‌های مکانی شده است. این رقابت‌ها، در سطوح مختلف خرد تا کلان مطرح هستند. یکی از مصادیق رقابت‌های مکانی در ایران، رقابت شهرستان‌های میبد و اردکان در استان یزد است. از دلایل اصلی اهمیت مطالعه‌ی این رقابت، تجانس فرهنگی، تشابه هویتی و مجاورت جغرافیایی و درواقع، درهم‌تنیدگی جغرافیایی این دو شهر است. آنچه در بررسی رفتار مردم این دو شهر مشاهده می‌شود، رقابت مکانی شدید بین آنهاست که نشان از شدت مهر مکان است، به‌گونه‌ای که وجوه مختلف آن در بسیاری از موارد آشکارا دیده می‌شود. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، اسناد و همچنین مطالعه‌ی میدانی با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون همبستگی، در پی آن است تا ضمن طراحی الگوی رقابت‌های مکانی در مطالعات جغرافیای سیاسی، به ریشه‌یابی شدت گرفتن رقابت‌های مکانی بین این دو شهر و تأثیرات برگرفته از آن بپردازد. یافته‌های پژوهش بیانگر این مطلب است که ریشه‌ی این رقابت را نباید تنها در مسائل امروزی بخش بندی‌های کشوری، بلکه در حافظه و رفتار تاریخی این دو شهر نسبت به هم جست‌وجو کرد.

کلیدواژه‌ها: حس مکان، رقابت مکانی، الگویابی رقابت، اردکان، میبد، بخش بندی‌های کشوری.

مقدمه

جست‌وجوی اجتماعی برای هویت و ریشه‌ها در "جا" به‌عنوان یک موضوع اصلی در جغرافیا مطرح است و به‌شکل فزاینده‌ای از آن استفاده می‌شود (جانستون، ۱۳۷۹: ۴). هویت با سه گویه‌ی مکان (جغرافیایی)، فضا (شبکه‌ها و روابط اجتماعی) و زمان (تاریخ) پیوند دارد و از ویژگی‌ها و تحولات این سه گویه متأثر می‌شود. بنابراین می‌توان مسائل مربوط به هویت را با پدیده‌هایی مورد بررسی قرار داد که دربرگیرنده‌ی این سه عنصر هستند. بر این اساس، مکان‌ها و محیط‌های با دوام زندگی اجتماعی همچون، خانواده، محله، روستا، شهر، قبیله و همچنین تعلق‌های با دوام اجتماعی، مانند صنف، قشر، طبقه و کشور، هر کدام می‌توانند عرصه‌ای برای شکل‌گیری، تداوم و تحول هویت و به پیروی از آن، زمینه‌ای برای بررسی مسائل مربوط به هویت باشند (بشیریه، ۱۳۸۳: ۱۱۶). امروزه توجه به مؤلفه‌های سرزمینی در چارچوب مفاهیم مکان، فضا، محل، منطقه و ناحیه، اساس تعریف و تحدید هویت اجتماعات انسانی قرار گرفته است؛ ناحیه و مکان، برای افراد و گروه‌های مختلف ارزشمند است؛ زیرا عناصر و اجزای هویت آنان را تشکیل می‌دهد (کاویانی راد، ۱۳۸۹: ۵۶). یکی از نتایج چنین رخدادی، بروز رقابت‌های مکانی است؛ این رقابت‌ها در مناطق مختلف جغرافیایی و در دوره‌های مختلف زمانی، خود را به‌اشکال گوناگون به‌نمایش می‌گذارند. بیشتر مطالعاتی که تا کنون در ارتباط با رقابت‌های مکانی در ایران انجام شده است، بین مناطقی بوده که از نظر ویژگی‌های زبانی، مذهبی، نژادی و سیاسی با یکدیگر متفاوت بوده‌اند. در پژوهش پیش رو، تلاش بر آن است که به بررسی ریشه‌ها و عوامل اصلی این رقابت‌ها در منطقه‌ای پرداخته شود که از تجانس کامل زبانی، فرهنگی، مذهبی، نژادی و ... برخوردار است، اما باوجود این، رقابت‌های مکانی بین شهرهای میبد و اردکان در استان یزد تا کنون به موضوعی پیچیده و حساس تبدیل شده است.

مبانی نظری

مکان

مفهوم مکان، به‌عنوان یکی از مفاهیم اساسی در اندیشه‌ی جغرافیایی است. به بخشی از فضای جغرافیایی قلمداد می‌شود که به‌صورت یک دستگاه و مجموعه‌ی محدودشده مطرح است و در آن، روابط اجتماعی، هویت و زندگی به‌وجود می‌آید (شکویی، ۱۳۸۲: ۸۷) و دیگر اینکه بخشی از فضای جغرافیایی است که از سوی فردی یا چیزی اشغال شده (قادری حاجت، ۱۳۸۸: ۸۰) و دارای بار معنایی و ارزشی است (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۳۲). مکان را می‌توان به‌عنوان محل تقاطع ترکیبی منحصربه‌فرد از روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تصور کرد، برخی از این روابط از ماهیتی محلی و برخی از گستره‌ای جهانی برخوردارند (جونز و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۸۴). مکان دربرگیرنده‌ی مجموعه‌ای از خاطرات و احساسات به‌تجربه درآمده است (Hague, 2005: 4) که در آن روابط متقابل میان شرایط مکانی و هویت و زندگی مادی شکل می‌گیرد. انسان‌ها در مکان‌ها ساخته می‌شوند و مکان‌ها رفتار انسان را تنظیم می‌کنند و به آن جهت می‌دهند (شکویی، ۱۳۸۲: ۲۸۷).

انسان‌ها به‌طور عام تا حدّ زیادی خودشان را بر اساس مفهوم فضا تعریف می‌کنند و حسّ هویت خود را از قطعه‌ی خاصی از سرزمین می‌گیرند. در واقع کمتر فعالیت‌ی در زمینه‌ی اجتماع وجود دارد که مرجع فضایی نداشته باشد

(قنبری، ۱۳۸۷: ۶۱). به‌واقع مکان، مرکز عمل آگاهانه و اراده‌ی انسان‌هاست؛ مرکزی است که در آن، از رویدادهای مختلف تجربه‌ی زندگی می‌آموزیم. هویت هر مکان، از سه عامل تشکیل می‌شود: ۱- عوامل مشخص طبیعی و نمود ظاهری آن؛ ۲- فعالیت‌های مشاهده‌پذیر و کارکردها؛ ۳- مفاهیم یا نمادها (شکویی، ۱۳۷۸: ۲۸۰-۲۷۵).
به‌واقع محیط‌های جغرافیایی تجسم فضایی فرهنگ‌ها و هویت‌های خرد و کلان به‌شمار می‌روند (کاویانی راد، ۱۳۸۹: ۶۵). از این‌رو، هر مکان یا فضای جغرافیایی دارای محتوایی است که از عوامل و اجزای ساختاری گوناگونی تشکیل شده است که:

اول: در ارتباط با هم جفت‌وجور شده و ساختار مکان یا فضا را شکل می‌دهند؛

دوم: عناصر، مرکب از عوامل طبیعی، انسانی و محیطی هستند؛

سوم: این عناصر با یکدیگر رابطه‌ی نظام‌یافته و داده‌ستارنده دارند و سامانه‌ای از روابط را در مکان یا فضا به‌وجود

می‌آورند که می‌توان از آن به زیست‌بوم جغرافیایی مکان و فضا تعبیر کرد؛

چهارم: عناصر و اجزای بیان‌شده از دید ماهیتی و کارکردی، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را در ارتباط با نیازهای

فردی و جمعی انسان‌ها ارائه می‌دهند که سازنده‌ی درک آنها از ارزش و اعتبار مکان و فضا است؛

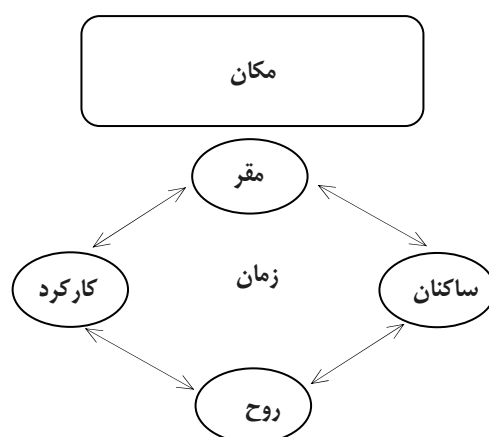
پنجم: ساختار و زیست‌بوم مکان مکان یا فضای جغرافیایی، به‌عنوان زیستگاه جمعیت و انسان‌های مقیم یا ساکن

در آن عمل می‌کند. عناصر ساختاری مکان و فضای جغرافیایی در سه مجموعه‌ی طبیعی، انسانی و جمعیت قابل تبیین

هستند که با یکدیگر در رابطه‌ی تعاملی و میان‌کنشی قرار گرفته و زیست‌بوم جغرافیایی را تشکیل می‌دهند (حافظ‌نیا،

۱۳۸۵: ۱۶۲). مکان به‌عنوان یک واقعیت ترکیبی از عناصر مختلف است که می‌توان آن را در چارچوب مدل زیر

به‌نمایش گذاشت:



شکل ۱. مکان و عناصر متشکله‌ی آن (منبع: نگارندگان)

یک مکان پیش از هر چیز یک واقعیت جغرافیایی است که بر بستر سرزمینی خودنمایی می‌کند و به‌واسطه‌ی حضور

انسان‌ها دارای روح و کارکرد می‌شود و این امر طی گذر زمان، موجب شکل‌گیری و پیوند علقه‌های عاطفی مکان و

ساکنان آن خواهد شد که از آن به مهر مکان یاد می‌شود.

مهر مکان

رابطه‌ی انسان با سرزمین، چیزی بیش از ملاحظات اقتصادی و سیاسی و دارای پیوندهای عاطفی و روانی است (هاگت، ۱۳۸۲: ۳۶۱). انسان در مکان خود به ایجاد و توسعه‌ی روابط اکولوژیکی می‌پردازد و پیوند خود را در ابعاد مختلف با آن مستحکم می‌کند و آنچنان به مکان وابسته می‌شود که از حدّ روابط مادی با مکان فراتر رفته و با آن روابط عاطفی برقرار می‌کند و مهر مکان در دلش جای باز می‌کند و مکان برای او ارزش و قداست معنوی پیدا می‌کند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۷۴). از این‌رو، مکان تنها یک سرپناه برای فعالیت‌های انسان نیست، بلکه پدیده‌ای است که انسان در تعامل خود با آن، بدان معنا بخشیده و به آن دلبسته می‌شود تا آنجا که گاه حتی خود را با آن باز می‌شناسد. دلبستگی به مکان، از جمله مهم‌ترین ابعاد رابطه‌ی انسان و مکان است. این کیفیت بر پایه‌ی تعامل پنج عنصر اساسی شکل می‌گیرد که شامل: انسان، مکان، مشارکت در فرآیند طراحی مکان، چگونگی تعامل انسان و مکان و عامل زمان است.

از آنجاکه جغرافی‌دانان نسبت به تأثیر مشهود واقعیت‌های ذهنی اجتماعی و فنی فرهنگ در سطح زمین توجه و علاقه‌ی خاص نشان می‌دهند (هاگت، ۱۳۸۲: ۲۸)، می‌توان گفت بوم‌پایی یا علاقه به سرزمین، حلقه‌ی اصلی ارتباط میان جامعه و فضا را تشکیل می‌دهد که به‌طور عمده، از طریق تأثیر آن بر تعامل انسانی و توسعه‌ی هویت فضایی گروهی ظاهر می‌شود (احمدی پور، ۱۳۷۸: ۲۶). در واقع بار احساسی مکان با ساختار محلی احساس در ارتباط است و دربرگیرنده‌ی محل‌های مختلفی است که فعالیت‌های انسان، پیرامون آنها انجام می‌شود. از تلفیق ساختار محلی و نوع فعالیت انسانی، بار احساسی مکان به‌وجود می‌آید که دارای دو بُعد جغرافیایی و اجتماعی است (مویر، ۱۳۷۹: ۳۴). در آموزه‌های دینی نیز مکان اهمیّت قدسی پیدا کرده، چنان‌که به نقل از شیخ حرّ عاملی در حدیثی آمده است که

حبّ‌الوطن من‌الایمان (عمید زنجانی، ۱۳۶۸: ۲۵).

پیدا کردن بار عاطفی توسط مکان و فضا و وجود دلبستگی‌ها و علقه‌های روانی و عاطفی بین انسان‌ها با زادگاه و بوم و وطن خود، سبب می‌شود که مکان واجد ارزش سیاسی شود و حسّ وطن‌پرستی، عشق به وطن و سرزمین مادری، انگیزه‌ی دفاع و آمادگی مبارزه با متجاوزان و جان‌فشانی در راه وطن را در انسان‌ها پدید آورد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۹۲). در واقع مهر مکان، نتیجه‌ی منطقی حضور انسان، در مکان‌های مختلف جغرافیایی است، انسان با گذار زمان و طی شدن زمانی مشخص، نسبت به یک مکان یا مکان‌های خاص احساس تعلق می‌کند، در واقع نسبت به مکان وابستگی پیدا می‌کند و تعلق خود به مکان‌های مشخص را، به‌دلیل عاطفه و علقه‌های شکل‌گرفته، امری مقدّس به‌شمار می‌آورد. شکل شماره‌ی ۲ نمایش دهنده‌ی رابطه‌ی انسان و مکان و شکل‌گیری مهر مکانی طی زمان است.

با این حال، حس مکان از نظر مفهومی، از سطوح مختلفی برخوردار است. شامای برای حس مکان سه مرحله‌ی اصلی "تعلق به مکان"، "دلبستگی به مکان" و "تعهد به مکان" را با هفت سطح تعیین می‌کند. این سطوح، کاربرد فرآیند حس مکان را نشان می‌دهند که از بی‌تفاوتی تا حسّ فداکاری نسبت به مکان را به‌ترتیب زیر شامل می‌شود:

۱- بی‌تفاوتی نسبت به مکان؛

۲- آگاهی از قرارگیری در یک مکان؛

۳- تعلق به مکان؛

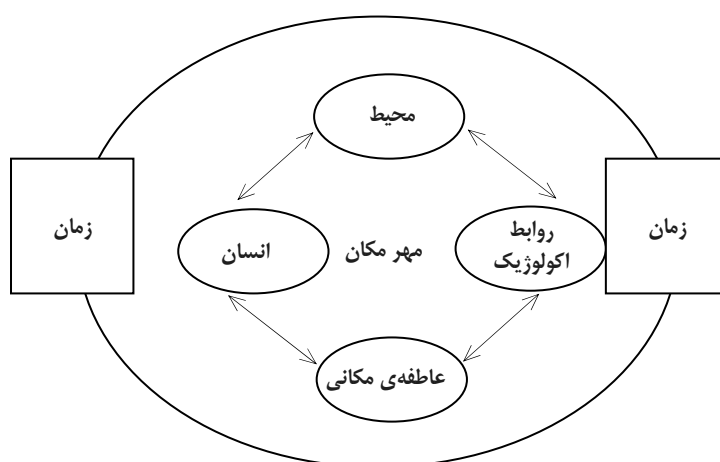
۴- دل‌بستگی به مکان؛

۵- یکی‌شدن با اهداف مکان؛

۶- حضور در مکان؛

۷- فداکاری برای مکان (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۱-۶۲).

درواقع در آخرین مرحله از سطوح هفت‌گانه فوق، حس تعلق و هویت مکانی، انسان را وادار به نقش‌آفرینی تا اندازه‌ای می‌کند که آمادگی انسان برای فداکردن جان خود را به نمایش می‌گذارد.



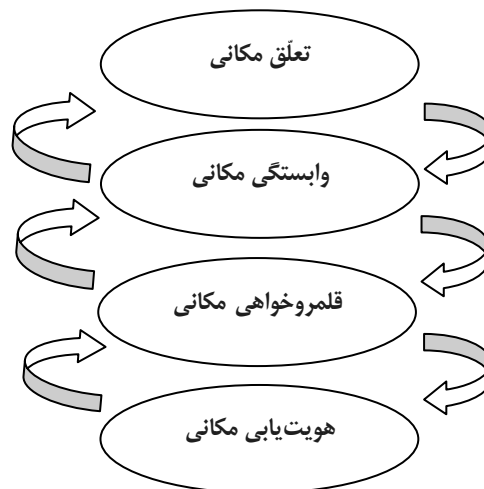
شکل ۲. مهر مکان (منبع: نگارندگان)

تعلق و هویت مکانی

شناسایی قلمرو با کمک به آگاهی فرد نسبت به خویشتن، تا حدودی خودآگاهی فرد را ارتقا داده و این کار را با القای نوعی حس ریشه‌داشتن در یک سرزمین، تقویت می‌کند (مویر، ۱۳۷۹: ۲۳). انسان‌ها برای خود قلمرویی را تصور می‌کنند و این احساس، قلمروگرایی را به‌شدت گسترش می‌دهند (میرکتولی و منافی آذر، ۱۳۸۸: ۲۸). انسان به زادگاه و نیز مکانی که مدتی در آن زیسته است، علاقه‌مند بوده و احساس تعلق و وابستگی می‌کند و نوعی رابطه‌ی عاطفی با آن برقرار می‌کند. از این‌رو، مکان‌ها منبع مهم هویت فردی و جمعی هستند و کانونی را به‌وجود می‌آورند که در آن پیوندهای عمیق عاطفی و روانی بین مردم نیز برقرار می‌شود (شکویی، ۱۳۷۵: ۲۷۶). رابطه‌ی انسان و سرزمین یک فرایند دوجانبه است؛ مردم نه‌تنها احساس می‌کنند که صاحب قطعه زمینی هستند، بلکه احساس می‌کنند که آنها به این زمین تعلق دارند (مویر، ۱۳۷۹: ۲۰). انسان‌ها دارای وابستگی‌های مکانی و سکونتگاهی هستند و براساس آن سطح‌بندی شده‌اند و هر سطحی به آنها هویت خاص می‌دهد. هر فردی خود را وابسته‌ی زادگاه و بوم می‌داند (پورزارع بغروی، ۱۳۸۷: ۱۷). به‌طوری که فاوست می‌گوید: "مرد یا زنی که به زادگاه خود عشق نورزد و به آن افتخار نکند، واجد داشتن بینشی وسیع‌تر نسبت به زندگی نیست" (مجته‌زاده، ۱۳۸۱: ۳۱).

در موارد زیادی دیده شده که انسان با یک فضا، احساس "این همانی" می‌کند، به این معنا که آن را قسمتی از "من" خود یا "ما" می‌پندارد. در این حالت، ذهن فرد از حدّ خود تجاوز کرده، عینیت بخشی از دنیای عینی را تبدیل به ذهنیت خود می‌کند. به معنای دیگر، آن را بخشی از هویت فردی خود می‌داند؛ هویتی که ساخته‌ی اجتماع و محیط اطراف است (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۷۰). از این رو، هویت مکانی بر دو پایه‌ی رابطه‌محور تشابهات درونی و افتراقات بیرونی استوار است (Hague, 2005: 6). از آنجاکه هویت به واسطه‌ی عناصر مشخصه و تشکیل‌دهنده‌ی آن مانند مکان، محل و موقعیت بیان کردنی است، می‌توان آن را به‌عنوان یک شاخص مؤثر در تشخیص فضاها و تمایز آنها به کار برد و آن را به‌عنوان یک شاخص فضایی مورد کنکاش قرار داد (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۴).

بنا به گفته‌ی راتزل، شکل‌گیری هر ملّتی، محصول پیوند عاطفی با سرزمین است. به همین سبب، هر ملّتی علاقه‌مند است که در قلمرو سرزمینی خود احساس یگانگی و وابستگی به سرزمین مادری خود را با تمام وجود احساس کند. در این صورت، در مواقع خطر از آن دفاع می‌کند و در حفظ و حراست از آن می‌کوشد. به همین سبب اداره‌ی سرزمین و چگونگی آن، از مهم‌ترین امور کشورداری است که باید بر اساس مؤلفه‌های کارآمد باشد که بتواند به وحدت ملّی و حفظ تمامیت ارضی کشور منجر شود (امیراحمدیان، ۱۳۸۳: ۱۰). در واقع، تعلق و هویت‌یابی مکانی ناشی از زیست و رابطه‌ی اکولوژیکی انسان در فضای جغرافیایی است و روند شکل‌گیری آن را می‌توان در شکل شماره‌ی ۳ مشاهده کرد.



شکل ۳. تعلق مکانی (منبع: نگارندگان)

در واقع با وابستگی مکانی ناشی از زیست درازمدت در یک فضای جغرافیایی با توجه به تعاریفی که انسان‌های مقیم در فضای جغرافیایی از اولویت‌ها و ارجحیت‌های خود دارند، حسّ قلمروخواهی در آنان شکل می‌گیرد که تظاهر فضایی آن را می‌توان در نمادسازی و تعیین مرز و محدوده‌ی قلمرو خود مشاهده کرد که باعث شکل‌گیری هویت مکانی خواهد شد. بدیهی است که هویت‌یابی مکانی در خلأ انجام نمی‌گیرد، بلکه در فضای جغرافیایی‌ای شکل گرفته که اصل انکارناپذیر آن بر تکثر بنیان پایه‌گذاری شده است و همین امر به شکل‌گیری رقابت مکانی در بین مکان‌های گوناگون، به واسطه‌ی عملکرد ساکنان آنها منجر می‌شود که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

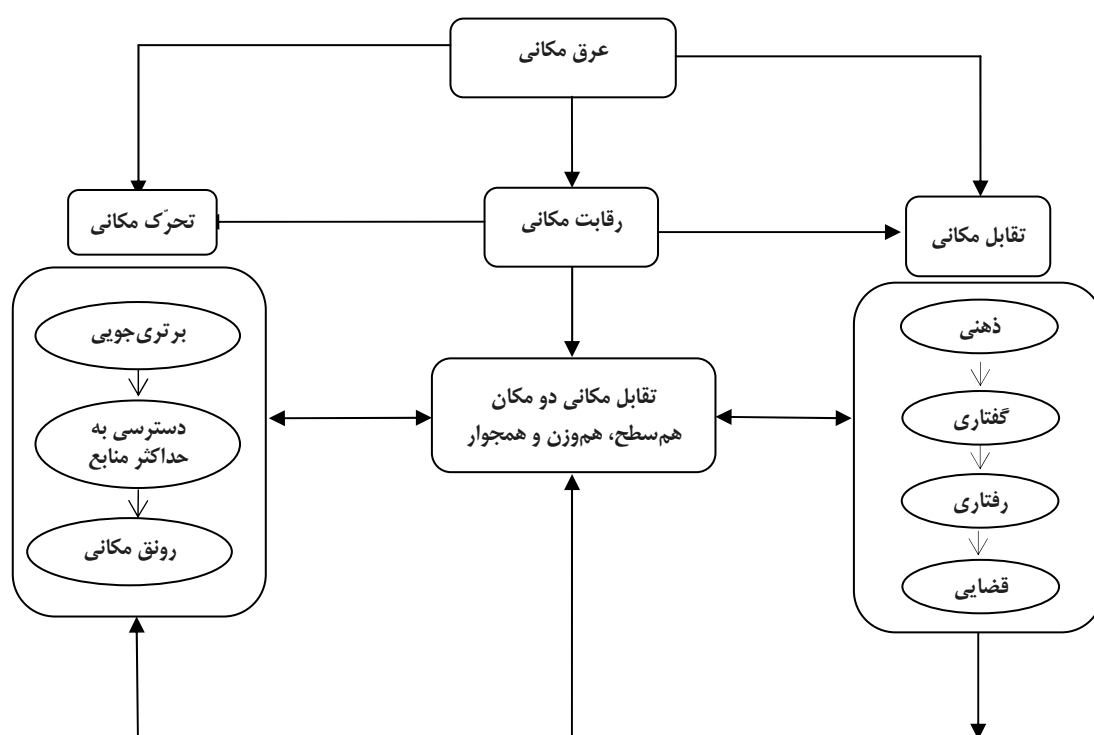
الگویابی رقابت‌های مکانی

مکان‌ها هیچ‌گاه به‌عنوان ساختارهایی بی‌طرف و دارای معانی غیرشخصی و مورد اتفاق نظر عمومی پنداشته نمی‌شوند. به‌عکس، مکان‌ها از ساخت اجتماعی برخوردارند و به‌دست افراد و گروه‌هایی ساخته می‌شوند که در جهت نسبت‌دادن ویژگی‌ها، معانی و نمادهایی خاص به مکان‌ها، به تجربه‌ها، باورها و تعصبات خود دست می‌زنند. از طریق چنین فرایندی است که مکان‌هایی ساخته و در یک فضای سرزمینی واحد واقع می‌شوند که در عین حال تفاوت‌هایی نامحسوس با یکدیگر دارند. در اغلب موارد، وجود چندین مکان با تفاوت‌های ناچیز با یکدیگر در یک منطقه، مشکل‌آفرین نیست؛ زیرا این تفاوت‌ها باعث تأثیرگذاری بر روند تعیین خط‌مشی‌ها نمی‌شوند. با این حال، گفتارهای مکانی متفاوتی که ارائه می‌شوند، اغلب آنقدر ناهمسان هستند که کشمکش‌های سیاسی متعددی در مورد مسائلی مانند تناسب توسعه‌های خاص، مشروعیت رهبران سیاسی محلی و حتی نام مکان‌ها بروز می‌کنند (جونز و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۱۰). پتانسیل نقش‌آفرینی و کارکردی عناصر و ساخت‌های مکانی - فضایی در راستای تأمین نیازهای انسانی، پتانسیل ارزشی مکان و فضا و اهمیت آن را در ذهن و برداشت بازیگران سیاسی و اجتماعی شکل می‌دهد و انگیزه‌ی تصاحب و دسترسی به آنها را به‌منظور تأمین خواست‌ها و نیازهای خود پدید می‌آورد و اقدام و حرکت و رفتارهای رقابتی یا همکاری را در بازیگران سبب می‌شود. بازیگران برای دستیابی به ارزش‌ها و فرصت‌های مکان و فضا و کاربرد آن به‌سود خود یا علیه دیگران و رقبای خود از الگوهای رفتاری مسالمت‌جویانه یا زورمندانه استفاده می‌کنند. در الگوی مسالمت‌جویانه و بر پایه‌ی بده‌وبستان داوطلبانه و سودگرایی خودانگیز یا به‌گفته‌ای وابستگی متقابل، بازیگران تلاش دارند مزیت‌های مکانی و فضایی خود که ناشی از کارکرد آنهاست را با یکدیگر معاوضه کنند. در الگوی زورمندانه، بازیگران قدرتمندتر با توسل به‌روش‌ها و ابزارهای متکی به قدرت، تلاش می‌کنند به‌صورت رسمی یا غیررسمی، آشکار یا پنهان، قُدرمآبانه یا فریبکارانه، و نظایر آن، ارزش‌ها و پتانسیل‌ها و فرصت‌های مکان و فضا را از آن خود کرده تا منافع و نیازهای خود را تأمین یا آنها را بر علیه رقبای خود به‌کار گیرند و بدین ترتیب سلطه‌ی خود را گسترش داده و تضمین به‌نسبت پایداری برای حفظ قدرت و سلطه یا تأمین مستمر نیازهای خود فراهم آورند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۸۸).

اجتماع انسان‌ها در هر مکان و در هر زمان و به هر منظوری که باشد، تحت تأثیر روابط آنها با یکدیگر و همچنین با سایر جوامع بوده است (شیعه، ۱۳۸۱: ۲). توسل به اجتماع از راه دفاع از فضا یا شکل‌های هویت گروهی، هنگامی معنا می‌دهد که فضاهای عمومی غیردوستانه به نظر می‌رسند؛ وقتی که بیگانگان تهدیدآمیز یا بالقوه تهدیدآمیز به نظر می‌آیند (تانکیس، ۱۳۸۸: ۳۹)، رقابت‌های دیرینه و حتی بسیار کهنه‌ای که بین کانون‌های شهری در یک ناحیه وجود دارد و ریشه‌ی آنها را باید در برخوردها و جنگ‌های قدیمی محلی و ناحیه‌ای جست‌وجو کرد، بر جریان ناحیه‌گرایی اثر گذاشته و آن را تشدید کرده است.

احساس، تعلق و هویت مکانی افراد ساکن در محدوده‌ی سرزمینی، به‌عنوان سنگ بستر رقابت‌های مکانی عمل می‌کند. انسان‌ها در نتیجه‌ی حضور درازمدت در محل تولد یا به‌گفته‌ای وطن؛ نسبت به نمادها، ارزش‌ها و خصایص آن، حس ویژه‌ای یافته که این حس در ادامه، تعلق و دلبستگی به مکان را در افراد ایجاد کرده و هویت خاصی به آنها می‌بخشد. در نتیجه‌ی این دلبستگی و هویت مکانی، انسان‌ها حاضر نیستند لطمه‌ای بر آب و خاک آنها وارد شود و در

مواقع احساس خطر، با روحیه‌ی وطن‌دوستی، در مقابل تهدیدهای سرزمینی ایستادگی می‌کنند. در واقع با عرق به مکانی که در آن زاده شده‌اند، تلاش در پُررنگ کردن برتری‌های ویژه‌ی مکان خود را دارند و این برتری‌جویی آنان را وادار به کنش به‌سوی دستیابی به حداکثر منابع موجود، در جهت پیشرفت و توسعه‌ی زادبوم خود می‌کند که در اکثر موارد با توجه به وجود مکان‌های هم‌وزن و هم‌جوار به تقابل و درنهایت، رقابت مکانی منجر می‌شود. چنانکه در بسیاری از مناطق مراکز و شهرهای هم‌جوار، به‌دلیل داشتن وزن ژئوپلیتیکی همسان، تابعیت یکدیگر را نمی‌پذیرند (احمدی و احمدی پور، ۱۳۸۴: ۴۱). این امر، یعنی رقابت‌های مکانی ناشی از حس مکان را می‌توان در شکل شماره‌ی ۴ به نمایش گذاشت.



شکل ۴. رقابت مکانی (منبع: نگارندگان)

مقیاس‌های رقابت‌های مکانی

رقابت‌های مکانی را می‌توان در مقیاس‌های گوناگونی از نظر دامنه‌ی شمول و مکان وقوع، در دسته‌بندی به شرح زیر ارائه داد:

سطح ذهنی

در این سطح که بیشتر در مقیاس فردی رخ می‌دهد، انسان‌ها تعلق به مکان خاصی را با توجه به شرایط پیش‌آمده بر مکان‌های دیگر ترجیح می‌دهند، این وضعیت بیشتر حالتی ذهنی داشته و معمولاً در همه‌ی انسان‌ها وجود دارد. در این مقیاس، روابط بیشتر در مطالعات روان‌شناسی مطرح است و توسط روان‌شناسان و سایر رشته‌های مجاور مطالعه می‌شود.

سطح گفتاری

این بحث نیز بیشتر سطح فردی است، ولی با توجه به فرهنگ‌های حاکم بر جوامع به طرق مختلفی در گفتار و نوشتار آنان نمود پیدا می‌کند. در ادبیات فارسی، اشعار بسیاری از داشتن تعلق و علاقه‌ی خاطر به مکانی خاص وجود دارد که معروف‌ترین آن را می‌توان در شاهنامه‌ی حماسی فردوسی دید، مانند این بیت که:

چو ایران نباشد تن من مباد بدین بوم بر، زنده یک تن مباد

اما وجه دیگر این سطح، بیشتر نمایانگر رقابت‌های مکانی ناشی از مهر مکان است که در گفتار ساکنان یک فضا نسبت به فضای مجاور و معمولاً رقیب نمود می‌یابد که از این دست می‌توان به ساختن لطیفه‌های گوناگون که بیشتر ناشی از تعلق مکانی است، برای مکان‌های رقیب اشاره کرد. در واقع در این سطح از رقابت‌ها مورد مطالعه‌ی رشته‌های گوناگونی مانند زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... است.

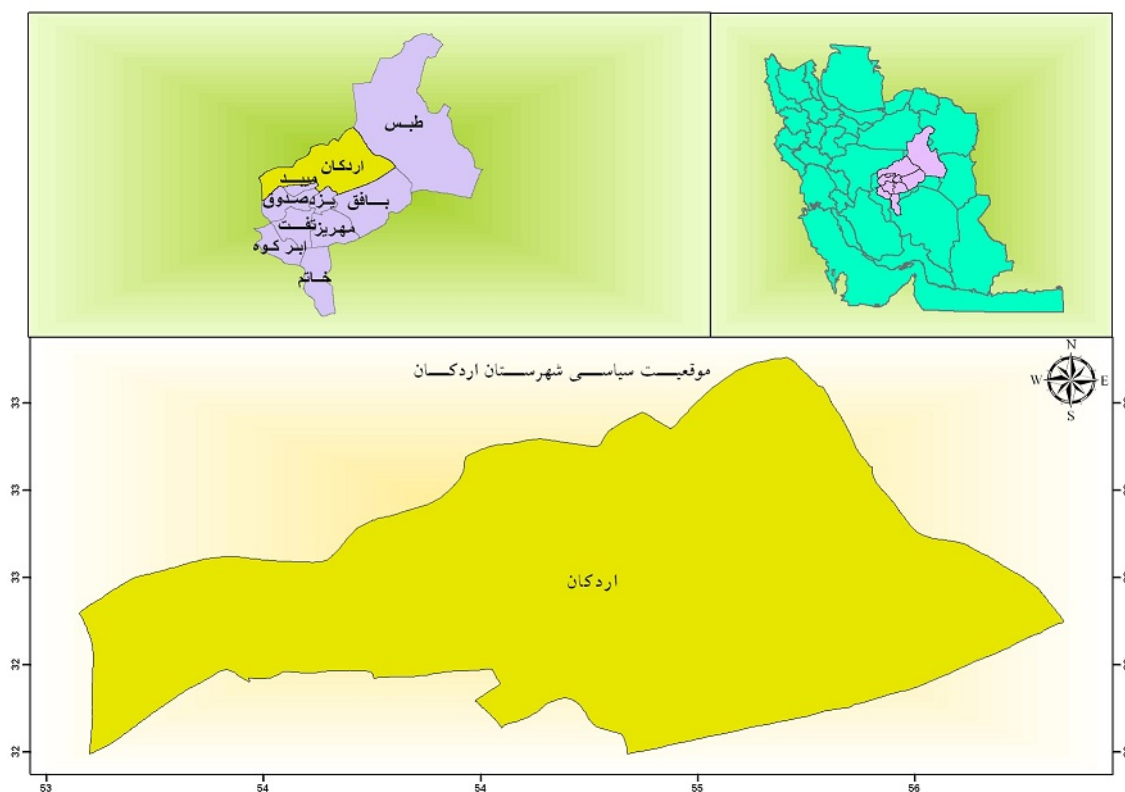
سطح رفتاری با تظاهر فضایی

این مقیاس که از آن به سطح رفتاری یاد می‌شود، رقابت‌های ناشی از مهر مکان تظاهر فضایی پیدا کرده و در فضای جغرافیای خالق یک چشم‌انداز رقابت‌آمیز می‌شود. برای نمونه، درگیری‌های به‌وجود آمده، اعتراض‌های دسته‌جمعی و طومارنویسی‌ها و... که علیه مکان‌های رقیب، حتی در مسائل ریز و پیش‌پاافتاده شکل می‌گیرد، همگی در این سطح جای می‌گیرند. در این مقیاس رقابت‌ها و تنش‌ها از سطح افراد فراتر رفته و به سطح جوامع رسوخ پیدا می‌کند. در واقع در این سطح که آن را مقیاس رفتاری نیز می‌توان نام برد، بیشتر عرصه‌ی مطالعاتی جغرافی‌دانان سیاسی است، نمودهای عینی از این مقیاس در گذشته و حال بسیار است و رقابت بین اردکان و میبد که خود نمود فضایی پیدا کرده است، نمونه‌ی کاملی از این مقیاس است.

محدوده‌ی مورد مطالعه

شهرستان اردکان

شهرستان اردکان با ۲۳۶۶۵ کیلومتر مربع مساحت، در شمال و شمال غرب استان یزد، در طول جغرافیایی ۵۳ درجه تا ۵۶ درجه و ۴۸ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۱ درجه و ۵۹ تا ۳۳ درجه و ۲۳ دقیقه شمالی و در قلب کویر مرکزی ایران واقع شده و با در اختیار داشتن ۳۲ درصد از پهنه‌ی استان، دومین شهرستان وسیع استان یزد را شکل می‌دهد. مرکز شهرستان اردکان در ۶۰ کیلومتری شمال مرکز استان یزد قرار گرفته و از شمال و شمال غرب به شهرستان نائین استان اصفهان، از شرق به شهرستان طبس، از جنوب به شهرستان‌های بافق، یزد، صدوق و میبد منتهی می‌شود. در سال ۱۳۸۹ شهرستان اردکان دارای ۳ بخش، ۳ شهر و ۵ دهستان بوده و جمعیت آن در سرشماری سال ۱۳۸۵ حدود ۷۳۲۹۲ نفر برآورد شده است (سالنامه‌ی آماری سال ۱۳۸۹ استان یزد).



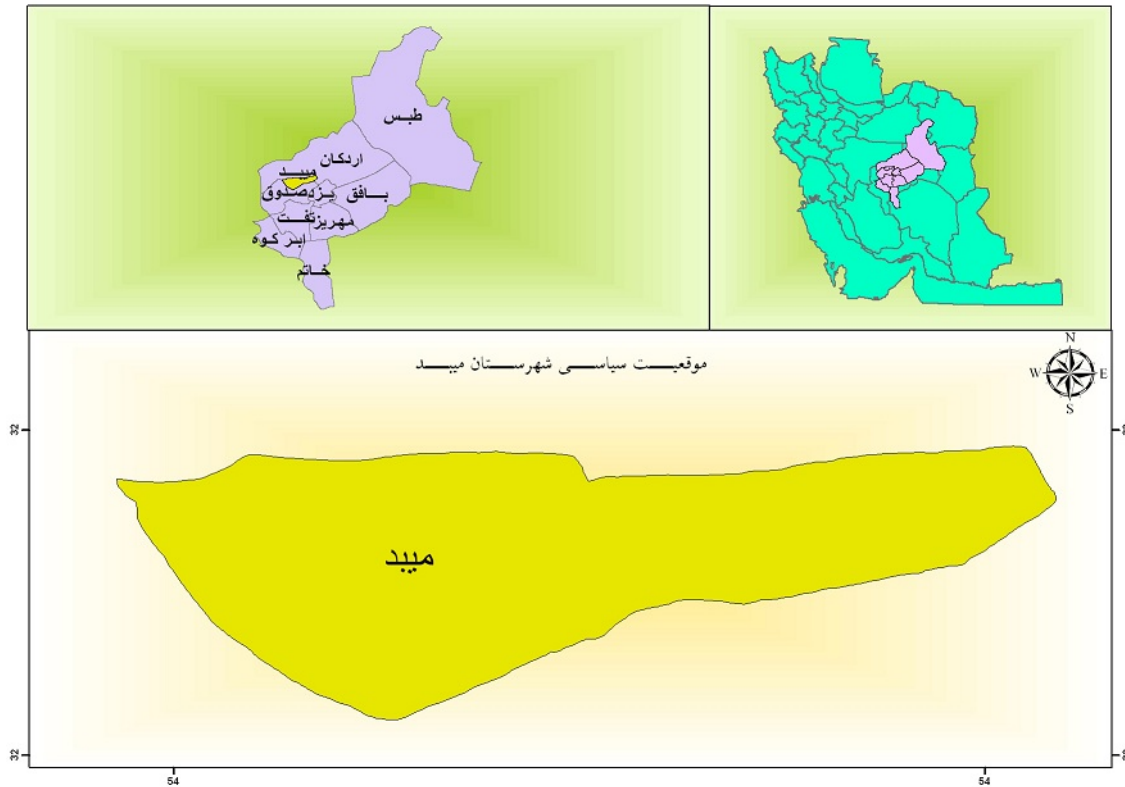
شکل ۵. نقشه‌ی موقعیت سیاسی شهرستان اردکان

جدول ۱. وضعیت بخش‌بندی کشوری شهرستان اردکان در سال ۱۳۸۹

شهرستان	بخش	شهر	دهستان
اردکان	مرکزی	اردکان - احمدآباد	محمدیه
	عقدها	عقدها	نارستان - عقدها
	خرانق	-	رباطات - زرین

شهرستان میبد

این شهرستان با وسعت ۱۲۳۳ کیلومترمربع، در قلمرو شمالی استان یزد و در مختصات ۵۳ درجه و ۳۲ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی و ۳۲ درجه و ۴ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۱۹ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. شهرستان میبد در بین دو شهرستان اردکان و صدوق محدود شده به گونه‌ای که از شمال و شرق به شهرستان اردکان و از جنوب و غرب به شهرستان صدوق منتهی می‌شود. شهر میبد در ۵۰ کیلومتری شمال غرب شهر یزد و در حاشیه‌ی کویر مرکزی ایران قرار دارد. در سال ۱۳۸۵ جمعیت شهرستان میبد برابر با ۷۴۳۳۳ نفر برآورد شده و در سال ۱۳۸۹ دارای ۱ بخش، ۱ شهر و ۲ دهستان بوده است (سالنامه‌ی آماری سال ۱۳۸۹ استان یزد).



شکل ۶. نقشه‌ی موقعیت سیاسی شهرستان میبد

جدول ۲. وضعیت بخش‌بندی کشوری شهرستان میبد در سال ۱۳۸۹

شهرستان	بخش	شهر	دهستان
میبد	مرکزی	میبد	شهداء - بفرئیة

روش پژوهش

سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: ریشه‌ی تداوم رقابت‌های مکانی اردکان و میبد با توجه به همگونی کامل دو شهرستان یاد شده از لحاظ فرهنگی، در چه عواملی نهفته است؟ با توجه به ادبیات موجود در این ارتباط، فرض اصلی این مقاله این‌گونه صورت‌بندی می‌شود که ریشه‌ی این اختلاف‌ها را باید، نه تنها در مسائل امروزی بخش‌بندی‌های کشوری، بلکه در مهر مکان و تعلقات ناشی از آن دانست که در گذشته‌ی روابط متقابل این دو شهر، قابل مشاهده است. همچنین با توجه به آنچه گفته شد، آیا می‌توان الگوی خاصی را برای آن طراحی کرد؟

متغیرهای اصلی پژوهش حاضر مهر مکان و رقابت‌های ناشی از آن است که در این ارتباط، مهر مکان متغیر مستقل و رقابت‌های مکانی ناشی از آن، متغیر وابسته‌ی پژوهش هستند.

از آنجاکه سرچشمه‌ی رقابت‌های مکانی متأثر از عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی است، به‌عنوان یکی از علایق جغرافی‌دانان سیاسی مطرح بوده است. این پژوهش در دسته‌ی پژوهش‌های کاربردی طبقه‌بندی خواهد شد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و یافته‌های میدانی و استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون همبستگی، درصدد است تا به‌صورت نظری و کاربردی، ضمن ریشه‌یابی رقابت‌های مکانی، نقش احساس مکانی را مورد بررسی قرار داده و به تشریح ارتباط این دو متغیر بپردازد. در همین ارتباط، تحولات رخ داده ناشی از تأثیر تعلق مکانی بر رقابت‌های مکانی بین شهرهای اردکان و میبد در استان یزد، مورد تشریح و تجزیه و تحلیل واقع خواهند شد تا ارتباط میان دو متغیر، بررسی و نتیجه به‌صورت ملموس مشخص شود. علاوه بر این، تلاش بر آن خواهد شد که به یک الگو از رقابت‌های مکانی ناشی از مهر مکانی نیز دست پیدا کنیم.

جامعه‌ی آماری با توجه به جمعیت تقریبی این دو شهر بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، نزدیک به ۱۵۰۰۰۰ نفر است. برای انجام نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری غیر احتمالی سهمیه‌ای استفاده شده است و بر این اساس حجم نمونه نیز برآورد شده است. با توجه به آنچه گفته شد، تعداد ۱۵۰ پرسش‌نامه که معرف ۰/۱ درصد جامعه‌ی مورد مطالعه است طراحی و از این تعداد، ۷۵ پرسش‌نامه در شهرستان اردکان و ۷۵ مورد دیگر نیز در شهرستان میبد توزیع شد.

بحث‌ها و یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش را می‌توان با توجه به نوع آن، به دو دسته یافته‌های توصیفی با عنوان سیر تاریخی رقابت‌ها و یافته‌های میدانی مستخرج از پرسش‌نامه دسته‌بندی کرد.

یافته‌های توصیفی: سیر تاریخی رقابت‌ها

هویت یک فضا زمانی معنا پیدا می‌کند که اطلاعات مختلفی در مورد آن فضا، از زمان دیگر وجود داشته باشد و بتوان آنها را برای مقایسه و انطباق با معنی موجود، برای تشخیص هویت به‌کار برد. از این‌روست که در صورت امکان انطباق تصویر ذهنی فرد با فضای مورد نظر، فضا را دارای هویت می‌نامند (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۶۹). آنان که در مطالعات خود بر استمرار ساختارهای سازمانی و همبستگی درازمدت مناسبات گروه‌های اجتماعی با فضا، به‌ویژه فضای ناحیه‌ای تأکید دارند، بستری نو را با عنوان "کرونوژئوگرافی" در مطالعات جغرافیایی مطرح می‌کنند. جغرافیایی که در آن به زمان اجتماعی و طول زمان درک شده اهمیت خاصی داده می‌شود. به‌گفته‌ی دیگر، یک جریان تحقیقی جغرافیایی است که برای روشننگری نوع زندگی انسان‌ها، به فهم فرایندهای فضایی در جریان زمان نگاه ویژه‌ای دارد (فرید، ۱۳۷۹: ۸۶). از این‌رو برای فهم بهتر جامعه، ضروری است بدانیم که چگونه زمان و طول مدت آن، در انطباق با فضا، تأثیرات روانی و پاتولوژیکی را در سطح جامعه گسترش می‌دهد (همان: ۸۰). برای درک بهتر ریشه‌های رقابت‌های مکانی در منطقه‌ی مورد مطالعه نیز ضروری است به مطالعه و بازگویی ریشه‌های تاریخی این رقابت‌ها بپردازیم. برای رعایت کوتاه‌نویسی، کنش‌ها و روابط تاریخی این دو شهر در جدول شماره‌ی ۳ به‌نمایش درآمده است:

دوره	پیش از ساسانی	ساسانی	قرون اولیه اسلامی	قرون هفتم و هشتم (آل مظفر)	قرن نهم (پس از آل مظفر)
مید	براساس یافته‌های باستان‌شناسی پیشینه‌ی سکونت در این شهر به اواخر هزاره‌ی سوم و اوایل هزاره‌ی دوم پیش از میلاد می‌رسد.	به‌طور مسلم بنای مید به پیش از اسلام می‌رسد. شهر ساسانی مید را به چند تن از شاهان این خاندان از جمله یزدگرد، قباد و انوشیروان نسبت داده‌اند و از جمله آنکه یکی از سرهنگان یزدگرد را بانی شهر دانسته‌اند.	چخراقی نوسان اولیه‌ی اسلامی، مید را از جمله شهرهایی برشمردند که در آن زمان جامع و منبر داشته و مسجد آدینه داشته است. وجود مسجد آدینه نشانه آن است که مید در آن هنگام منزلت شهری داشته است.	اوج شهرت مید در دوران آل مظفر است که حتی طعم شیرین پایتخت‌شدن در بخش وسیعی از مرکز و جنوب ایران را برای زمانی کوتاه می‌چشد. آل مظفر اقدامات عمرانی زیادی در مید انجام دادند که خاستگاهشان بود.	با انقراض سلسله‌ی مظفری و قتل عام آنان به‌دست تیمور، مید نیز از جایگاه خود فروافتاد و نازین قلعه‌ی آن به‌دستور تیمور با خاک برابر شد. بعد از نابودی این سلسله، تاریخ مید چندان روشن نیست.
اردکان	به‌نظر می‌رسد در این دوران، پیشینه‌ی برای اردکان وجود ندارد.	هر چند برخی منابع قدمت اردکان را پیش از اسلام می‌دانند، اما غالب منابع این نظر را رد کرده و اکنون نیز هیچ اثر نشانه‌دهنده‌ی پیش از اسلام در این شهر دیده نمی‌شود.	تاریخ اردکان تا پیش از قرن ششم هجری مشخص نیست و قدیمی‌ترین آثاری که باقی‌مانده متعلق به ۵۱۶ قمری است و نخستین بار که در کتب تاریخی نام اردکان مطرح می‌شود، اواخر قرن ششم است.	آبادی اردکان در این زمان موجودیت داشته، ولی از آبادانی و اهمیت برخوردار نبوده و اسناد به‌جای مانده از آن دوران همراه با اردکان را همواره قریه یا دهی از توابع مید نام برده‌اند و این روال تا اواخر قرن هشتم ادامه داشته است.	تا این دوره همچنان اردکان از توابع مید به‌شمار می‌رفته و به‌ویژه به‌دلیل دور بودن از راه اصلی یزد به نائین، از اهمیت بسیار کمی برخوردار بوده است.
تحلیل وضعیت	اشیا و سفالینه‌های به‌دست‌آمده پیش از تاریخ، سرباره‌های فلزی مکشوفه متعلق به عصر آهن، مصطبه‌ی عظیم خشتی مربوط به دوران ماد و ... همگی حکایت از جایگاه، اهمیت فرهنگی و اعتبار تاریخی مید در این دوره دارند.	مید در دوران ساسانی از جایگاه ویژه‌ای در منطقه برخوردار بوده و اقدامات عمرانی و ساختمانی فراوانی توسط سرداران ساسانی در آن انجام شده است. در این زمان، شهر یک دوره پویا و پرتحرک داشته و پیش از پیش توسعه و گسترش یافته است. در این میان می‌توان به ضرب سکه در مید در دوران پوراندخت ساسانی اشاره کرد.	در این دوران مید به‌واسطه‌ی سابقه‌ی تمدنی و پیشینه‌ی خود، قصبه یا شهری کوچک در شمال ولایت یزد، به‌شمار می‌رفته و سایر نقاط شمالی یزد از قرا و توابع آن محسوب می‌شده‌اند؛ از جمله قریه اردکان.	به‌دلیل اهمیت اقتصادی، سیاسی و نظامی شبکه راه‌های مید در دوران ایلخانان، مبارزالدین مظفر، به‌سمت راه‌های مید گماشته می‌شود و پس از مدتی آل مظفر به یکی از مهم‌ترین حکومت‌های محلی ایران در قرن هفتم و هشتم میلادی می‌شوند. در اینتا مید که خاستگاه آنان بود، پایتخت شد و پس از مدتی با آنکه مرکز حکمرانی آل مظفر از مید به یزد و سپس به کرمان و شیراز انتقال یافت، اما این شهر در تمام دوره آل مظفر اهمیت خود را حفظ کرد.	به‌سبب انقراض آل مظفر و تخریب مید که خاستگاه آنان بود به‌دست رقیبانشان از جمله تیمور، از رونق این شهر کاسته شد و به همان میزان اندک‌اندک بر رونق کانون جمعیتی مجاور آن، یعنی اردکان افزوده می‌شد و از این دوره به بعد، اردکان همراه چندبازه محله و آبادی‌های همجوار، به‌عنوان هسته‌ای مجزا مطرح شده و به‌صورت مستقل به حیات خود ادامه داده است.
منابع	موسوی نژاد، ۱۳۶۶: ۸. پویا، ۱۳۷۱: ۱۷. استنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۱۸. جانب الهی، ۱۳۸۳: ۲۵. آینی، ۱۳۱۷: ۴۹.	استنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۲۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد هفتم، ۱۳۸۵: ۴۸. دائرة المعارف تشیع، جلد دوم، ۱۳۶۸: ۶۶. سهری اردکانی، ۱۳۳۴: ۲۸. طباطبایی اردکانی، ۱۳۸۱: ۴۹.	خدیجه زاده، ۲۵۳۷: ۷. مستوفی، ۱۳۶۲: ۷۴. سهری اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۳. طباطبایی اردکانی، ۱۳۸۱: ۱۴۱. افخمی عقدا، ۱۳۷۶: ۱۱۶. استنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۲۱. فضل الله همدانی، ۲۵۳۶: ۶۹. سیدرکنی الدین، ۱۳۶۵: ۱۴.	موسوی نژاد، ۱۳۶۶: ۱۳. کنی، ۱۳۶۴: ۲۶. چخراقی، ۱۳۸۴: ۴۹. استنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۳۷. افخمی عقدا، ۱۳۷۶: ۱۱۷. جانب الهی، ۱۳۸۵: ۲۹۹.	استنجاری کناری، ۱۳۸۵: ۲۵. مستوفی باقی، ج ۳، ۱۳۸۵: ۷۲۲. موسوی نژاد، ۱۳۶۶: ۱۳. افتخار سیستانی، ۱۳۷۸: ۵۵. کاتب، ۱۳۱۶: ۱۳۳.

جدول ۳. سیر تاریخی شکل‌گیری رقابت‌های اردکان و مید

ادامه‌ی جدول ۳ سیر تاریخی شکل‌گیری رقابت‌های اردکان و میند

دوره	منابع	تحلیل وضعیت	اردکان	میند
قرن دهم و یازدهم (صفویه و پس از آن)	<p>اسفنجاری کزازی، ۱۳۸۵: ۷۲ ابوی مهریزی، ۱۳۸۳: ۶۳ مسعودی باقی، ج ۳، ۱۳۷۵: ۷۲۶ الفحیمی عقدا، ۱۳۷۶: ۱۲۸ موسوی بژاد، ۱۳۶۶: ۱۸ آئینی، ۱۳۱۷: ۴۹ حطاطی اردکانی، ۱۳۸۱: ۵۷</p>	<p>پس از صفویه تا قاجار اندک‌اندکی از شتون میند کاسته و بر مراتب اردکان افزوده می‌شد. از عال مهم این رخدادهای می‌توان به تغییرات ایجاد شده در راهها و همچنین تبعید یا سکونت خانوادگی معتبر و صاحب‌نام در اردکان که نسبت به رونق آن منطقه همت گماردند و همچنین شدت آسیب‌های وارده به میند پس از سقوط آل مظفر اشاره کرد.</p>	<p>اردکان در دوره‌ی صفوی توسعه‌ی قابل ملاحظه‌ای کرده و از یک ده به قصبه ارتقا یافت. تواریخ محلی این عصر از آن با نام بلده یا قصبه نام می‌زنند و جدلی از میند، به توصیف قصبه اردکان پرداخته و تحلیلی قابل تاملی را برمی شمارند که نشان‌دهنده‌ی آبادانی اردکان در این دوره است.</p>	<p>هر چند متون صفوی همچنان از میند به عنوان قصبه معتبر یاد می‌کنند، اما این شهر در دوره صفویان توانست اهمیت دیرین خود را بازیابد. به‌ویژه آنکه در این زمان میند چندبار محل اجتماع مخالفان صفویه نیز شده است.</p>
قرن دوازدهم و سیزده (قاجاریه)	<p>رضوی، ۱۳۸۸: ۱۵۵ تشکری باقی، ۱۳۷۷: ۵۳ ملاحسینی اردکانی، ۱۳۷۶: ۵۲ عرب نائینی، ۱۳۵۳: ۶۲۰ هامون، جلد ۵، ۱۳۶۵: ۵۸ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۳۳</p>	<p>عصر قاجار اردکان جایگاه مهمی در ولایت بزد داشته به‌طوری که در یکی از تواریخ محلی بزد در این زمان آمده: "... کلیل مهم قصبه اردکان در لوک میند...". در عصر قاجار از اردکان با عناوین قصبه معتبر و حتی شهر نام برده شده و درباره‌ی میند تاثیر لپوک، قریه و ده و حتی ده کوچیک به‌کار رفته است. چنانکه مشاهده می‌شود در این دوره، موقعیت این دو نقطه طی مدت نزدیک به سه قرن کاملا جابجا می‌شود.</p>	<p>دوره‌ی قاجار اوج رونق اردکان است و قصبه‌ی اردکان به‌عنوان مهم‌ترین کانون سیاسی - اقتصادی منطقه پس از بزد محسوب می‌شده که در جریان‌های عصر قاجار و به‌ویژه مشروطه، نقش اردکانی‌ها در بزد بارز است.</p>	<p>در دوره‌ی قاجار، میند اوج کم‌روفتی خود را تجربه می‌کند و در این زمان به قریه‌ای کوچک از توابع اردکان مبدل می‌شود.</p>
۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰	<p>الفحیمی عقدا، ۱۳۷۶: ۱۳۲ سپهری اردکانی، ۱۳۷۴: ۹۴ یوزارغ برفوی، ۱۳۸۷: ۱۰۷ بیری اردکانی، ۱۳۸۸: ۱۹۸ خدیجه زاده، ۱۳۳۷: ۹ آئینی، ۱۳۱۷: ۵۰ جانب‌اللهی، ۱۳۸۵: ۲۲۷ اسفنجاری کزازی، ۱۳۸۵: ۱۳۵</p>	<p>در این زمان نقش تصمیمات دولتی در رشد و توسعه اردکان انکارناپذیر است و برخی معتقدند تصمیمات سیاسی باعث مرکز قرار شهر اردکان شد. همچنین قدرت عمومی مردم اردکان در سال ۱۳۰۹ باعث عبور محور ارتباطی شمال - جنوب کشور و وسطا این شهر شد که در واقع توسعه و رشد اردکان در این زمان بیش از همه موهون این دو عامل است. میند نیز همچنان از توابع اردکان به‌شمار می‌رود.</p>	<p>در این دوره اردکان پس از بزد همچنان پررونق است. در سال ۱۳۰۸ بخشاری اردکان پایه‌گذاری و در سال ۱۳۱۳ بلده اردکان افتتاح شد. در سال ۱۳۱۶ بخش اردکان به ضمیمه دهستان‌های میند، حومه و عقدا از بخش‌های شهرستان بزد درآمد و در تیرماه سال ۱۳۳۳ ایجاد شهرستان اردکان به تصویب هیئت دولت رسید اما در آبان همان سال این تصمیم لغو شد.</p>	<p>میند در این سال‌ها همچنان از دوران اوج خود به‌دورمانده و با عناوینی همچون لپوک و حومه و پس از آن دهستان از توابع اردکان محسوب می‌شود. کم‌روفتی میند در این سال‌ها، سبب‌ساز مهاجرت بسیاری از ساکنان آن برای تقویت بنیه اقتصادی خود به سایر نقاط، به‌ویژه به کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس شد.</p>
۱۳۴۰ تا ۱۳۵۸	<p>هامون، جلد ۵، ۱۳۶۵: ۳۹-۱۳ خدیجه زاده، ۱۳۳۷: ۹ قره‌ای، ۱۳۷۷: ۶۸ حاجی شعبانی، ۱۳۶۷: ۱۲ اسفنجاری کزازی، ۱۳۸۵: ۱۳۶</p>	<p>هر چند در این سال‌ها و به‌ویژه با تأسیس شهرستان اردکان، میند از توابع بخش حومه اردکان محسوب می‌شده است، اما بر اساس برخی مدارک، مردم میند حتی سال‌ها قبل از تشکیل شهرستان اردکان به فکر ایجاد واحدهای مستقل اداری بوده‌اند. با این وجود با اوج گرفتن مبارزه‌های مردم در انقلاب اسلامی، هدفی والا تر از اختلاف‌های محلی متجلی می‌شود که سبب‌ساز ایجاد نوعی وحدت و یکدلی در مبارزه‌های انقلابی آن زمان می‌شود که برای تظاهرات و راهپیمایی‌های مشترک و ... نمونه‌هایی از آن هستند.</p>	<p>در سال ۱۳۴۸ فرمانداری کل بزد تأسیس شد که بر اساس آن شهرستان‌های اردکان، تخت و باقی نیز ایجاد شدند. بنابراین اردکان همراه با بخش‌های حومه و خزانق به شهرستان ارتقا یافت. در سال ۱۳۵۲ نیز فرمانداری کل بزد به استان ارتقا یافت، اما تغییری در تعداد شهرستان‌ها و بخش‌های آن رخ نداد. در این دوره اردکان همچنان مرکزی معتبر و نیروی رقابت در شمال استان بزد محسوب می‌شود.</p>	<p>در سال ۱۳۴۳ تلاش‌های ساکنان ده روستای پراکنده برای یکپارچه‌کردن آنها و تبدیل مجموعه به یک واحد شهری به نتیجه رسید و در این تاریخ شهرداری میند تأسیس شد. در این سال‌ها با برگشت سرمایه‌های ناشی از مهاجرت کارگران میندی به سایر نقاط به‌ویژه کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، شاهد تأثیرات قابل‌توجهی در شرایط اجتماعی - اقتصادی میند هستیم.</p>

ادامه‌ی جدول ۳. سیر تاریخی شکل‌گیری رقابت‌های اردکان و میبد

منابع	تحلیل وضعیت	اردکان	میبد	دوره
حاجی شعبانی، ۱۳۶۷: ۱۸ فلاح صدوری، ۱۳۸۲: ۵۱ هامون، چلدا، ۱۳۶۵: ۷۵ پوزرغ بفرویی، ۱۳۸۷: ۱۲۱ حسینی راه، ۱۳۷۱: ۳۱۰	در این سال‌ها بر وزن اعتباری میبد به مراتب افزوده می‌شد و اردکان نیز همان روند گذشته خود را به پیش می‌برد. اما در این زمان اختلاف‌ها به‌شکلی حاد مطرح می‌شود. اوج این حرکت‌ها در سال ۱۳۶۰ بر سر اختلافی که به‌خاطر چاه آب به‌وجود آمد، نمود پیدا کرد و بنابراین در سال‌های نخستین دهه‌ی ۶۰ رقابت‌های مکانی خود را در قالب سیستم توزیع آب خودمختاری می‌کند. براساس گزارش استانداری یزد در آن سال‌ها اهالی میبد خود اقدام به ایجاد تشکیلات شهرستانی مستقل از اردکان کرده و پایه‌های اداری شهرستان را ایجاد کردند و حتی بیشتر تابلوهای میبد از پیش عنوان شهرستان داشته است. در سال‌های پایانی دهه‌ی ۶۰ رقابت‌های مکانی شدت بیشتری یافته و کمابیش تمام امورات در این دو نقطه و به‌ویژه در میبد تحت تأثیر درخواست‌های مکرر استقلال میبد است با شهرستان شدن میبد یکی از استثنای‌ترین قالب‌های بخش‌بندی‌های کشوری در سطح کشور در این منطقه شکل گرفت که در ظاهر با معیارهای عادی قانون تعاریف و ضوابط بخش‌بندی‌های کشوری همخوانی نداشته و از استثنائات پیش‌بینی شده در قانون تلقی می‌شود.	اردکان در این دوره رونق طبیعی خود را داشت و همچنان مرکزیت منطقه را نیز بر عهده داشت، اما در این زمان کابونی دیگر در مجاورت آن با رشدی شتابان به‌عنوان رقیب در حال ظهور بود که در موارد مختلفی با یکدیگر برخورد نیز داشتند.	در بهمن ماه ۱۳۵۸ بخش میبد در شهرستان اردکان تأسیس شد. سال‌های پس از انقلاب را دوره‌ی رونق مجدد میبد می‌توان دانست. به‌دنبال این روند درخواست‌های ارتقا میبد به شهرستان افزایش فراوانی گرفت و شاهد پیگیری‌های شدید و مکرر مردمی هستیم. سرانجام در آبان ماه سال ۱۳۶۹ هیئت دولت با تأسیس شهرستان میبد موافقت کرد.	۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸
حمیدی، ۱۳۷۲: ۱۳-۱۴ پیشگاهی فرد، ۱۳۷۹: ۱۸۴ ملاحسینی اردکانی، ۱۳۷۶: ۸۳ پوزرغ بفرویی، ۱۳۸۷: ۱۲۱	در این دوره اختلاف‌های محلی به‌شدت بروز کرد. در هر سال این اختلاف‌ها به‌اشکال گوناگون خودمختاری می‌کرد؛ تا آنجا که در سال ۱۳۷۲ و در پی سفر رئیس‌جمهور وقت به منطقه وی در سخنرانی خود به‌طور مستقیم به این موضوع اشاره می‌کند. تا سال ۱۳۷۸ مهم‌ترین شکل این اختلاف‌ها، انتخابات مجلس شورای اسلامی و حوزه انتخابیه‌ی مشترک آنها بود. به‌گونه‌ای که در برخی از دوره‌ها مشارکت در این حوزه با یالای ۱۰۰ درصد نیز رسید. پس از این سال‌ها که میبد و اردکان کاملاً به وزنی یکسان رسیدند، شاهد شدت‌یافتن رقابت‌ها هستیم. نمونه‌های برون‌داد این رقابت‌ها را می‌توان در جمعیت دو شهرستان در سرشماری‌ها، اختلاف‌ها بر سر میزان تصویب یا اجرای پروژه‌های عمرانی، حجم اعتبارها، و حتی اختلاف در کسب افتخار رتبه‌ی نخست در آزمون سراسری در کشور و موارد بسیار دیگری دانست که مطبوعات محلی این دو شهرستان، آینه‌ی تمام‌نمای این رویدادها به‌شمار می‌روند.	در این دوره اردکان همچنان روند طبیعی توسعه‌ی خود را طی کرد، اما با رشد نشانان میبد، دیگر انحصار مرکزیت شمال استان یزد را از دست داد و این دو شهر در کنار هم دو قطب صنعتی و علمی استان یزد را شکل دادند.	پس از مستقل شدن میبد، این شهرستان توسعه‌ی چشمگیری یافت و به‌ویژه با سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته که به‌طور عمده از طرف بخش خصوصی بوده به یکی از قطب‌های صنعتی و دانشگاهی استان یزد مبدل شد.	۱۳۸۹ تا ۱۳۹۰

ترسیم: نگارندگان

جمع‌بندی دوره‌ها

با بررسی و تحلیل دوره‌های تاریخی طی شده، به نکات قابل تأملی درخصوص تاریخچه رقابت‌های مکانی این دو شهر می‌توان رسید. نخست آنکه قدمت این دو شهر مجاور یکسان نبوده و میبد قرن‌ها پیش از اردکان شکل گرفته است. میبد تا اواخر قرن هشتم، هسته‌ی مرکزی و مهم‌ترین قصبه در شمال یزد بوده و بدون رقیب در اوج رونق و اعتبار جغرافیایی خود مطرح بوده است. در قرن هشتم که اوج شکوفایی میبد است، به‌واسطه‌ی خاستگاه آل مظفر بودن، تجربه‌ی پایتختی را نیز می‌پیدا می‌کند.

این دوران اردکان به‌تازگی رونق خود را آغاز و قریه‌ای از توابع ولایت معتبر میبد شناخته می‌شود. پس از سقوط آل مظفر شاهد تغییراتی در وزن جغرافیایی و اعتبار این دو مکان هستیم، به‌گونه‌ای که از اعتبار میبد کاسته و رونق اردکان افزایش می‌یابد.

در عهد صفوی برای نخستین‌بار این مکان از نظر اعتبار و رونق در یک سطح قرار می‌گیرند و هر دو قصبه‌ای معتبر شناخته می‌شوند. پس از صفویه تا عصر قاجار، همچنان رونق و اعتبار اردکان افزایش و اعتبار میبد کاهش می‌یابد. در عهد قاجار، جایگاه این دو مکان به‌طور کامل جابه‌جا شده و در این دوره، اردکان در اوج اعتبار خود قرار می‌گیرد و معتبرترین قصبه شمال یزد به‌شمار می‌رود و میبد قریه و دهی کوچک است از توابع اردکان.

در سال‌های پس از دهه‌ی ۱۳۲۰، نخستین تلاش‌ها در جهت کم‌شدن این فاصله از طرف میبدی‌ها برداشته می‌شود و در دهه‌ی ۴۰ شاهد شهر شدن این منطقه هستیم. پس از دهه‌ی ۴۰ و تا پیروزی انقلاب اسلامی این تلاش‌ها رشد بیشتری یافته و سرمایه‌گذاری‌های لازم برای رفع این فاصله انجام شده است.



شکل ۷. نمودار تغییر و تحولات وزن جغرافیایی اردکان و میبد نسبت به هم طی زمان (ترسیم: نگارندگان)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به اهمیت دادن خواسته‌های مردمی در نظام نوپای اسلامی، نتیجه‌ی پیگیری‌های مردمی میبدی‌ها، تبدیل آن به بخش در سال ۱۳۵۸ بود. از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ یکی از دوره‌های اوج گرفتن

رقابت‌های مکانی میبد و اردکان است که نمودهای مختلفی نیز داشته است. در این دهه، میبد رشد چشمگیری پیدا کرده و در سال ۱۳۶۸ سرانجام شهرستان میبد تأسیس می‌شود. از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۹ نزدیک بیست سال است که این دو شهر از جنبه‌های گوناگون در یک سطح قرار گرفته و به واسطه‌ی این هم‌وزنی و هم‌سطحی، شاهد اوج گرفتن مجدد رقابت‌های مکانی در این منطقه هستیم. در نمودار شکل شماره ۷، این تغییر و تحولات در وزن جغرافیایی این دو نقطه نشان داده شده است.

در تحلیل دوره‌های فوق می‌توان گفت:

درباره‌ی نوع رقابت‌ها و روابط تا پیش از دوره‌ی پهلوی اطلاع دقیقی در دست نیست و این مهم نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد. در دوره‌ی پهلوی اول و با مدون شدن قانون بخش‌بندی‌های کشوری و اجرای آن، می‌توان نخستین نشانه‌های رقابت در منطقه را پیدا کرد. واکنش‌های فرهنگی در فرهنگ عامه‌ی دو منطقه در این زمان بیشتر نمود را دارد که به آن اشاره شد.

در دوره‌ی پهلوی دوم، نخستین تلاش‌ها برای هم‌سطح شدن دو منطقه برداشته می‌شود و رقابت‌ها بیشتر در خصوص ارتقای میبد به بخش است. در دهه‌ی نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۶۸-۱۳۵۸) و پس از ارتقای میبد به بخش، رقابت‌ها بیشتر بر انتزاع میبد از اردکان تأکید دارد، هرچند نمود آن بیشتر در خصوص مسائل مرتبط با توزیع آب است. در دهه‌ی دوم (۱۳۶۸-۱۳۷۸) و پس از انتزاع میبد و هم‌سطح شدن دو شهرستان، رقابت‌ها بیشتر در قالب رقابت‌های انتخاباتی، به‌ویژه در انتخابات مجلس به‌شدت نمود می‌یابد. در دهه‌ی سوم (۱۳۶۸-۱۳۷۸) و با جدا شدن حوزه‌های انتخابیه‌ی دو شهرستان، رقابت‌ها حساسیت و شکل جدیدتری به خود گرفته، هرچند نمود بیشتر آن در قالب اختلافات مرزی است، اما کمابیش تمامی فعالیت‌های اداری، فرهنگی، عمرانی، صنعتی، آموزشی و... دو شهرستان، تحت تأثیر رقابت‌های مکانی این دو نقطه است که نمونه‌های فراوان آن را می‌توان در مطبوعات محلی منطقه شاهد بود.

یافته‌های میدانی (پرسش‌نامه)

داده‌های توصیفی

برای ارزیابی فرضیه‌های این پژوهش اقدام به طراحی پرسش‌نامه شد و پس از ارزیابی پایایی و روایی آن، تعداد ۱۵۰ پرسش‌نامه توزیع شد. از تعداد پرسش‌نامه‌های توزیعی، ۷۵ پرسش‌نامه در سطح شهر اردکان و ۷۵ پرسش‌نامه از شهر میبد جمع‌آوری و نتایج آن در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. وضعیت جامعه‌ی مورد مطالعه

شهرستان	مرد	زن	مجرد	متاهل	میانگین سنی	دیپلم و زیردیپلم	فوق دیپلم و لیسانس	فوق لیسانس و بالاتر	تحصیلات حوزوی
اردکان	۳۷	۳۸	۴۹	۲۶	۳۴/۶	۳۲	۳۴	۷	۲
میبد	۴۵	۳۰	۲۲	۵۳	۳۰/۵	۳۴	۳۴	۵	۲
جمع کل	۸۲	۶۸	۷۱	۷۹	۳۲/۰۵	۶۶	۶۸	۱۲	۴

داده‌های تحلیلی

داده‌های تحلیلی این پژوهش با توجه به یافته‌های میدانی و با کمک نرم‌افزار SPSS ارائه می‌شود. در این قسمت برای تعیین میزان همبستگی بین دو جامعه‌ی مورد مطالعه با توجه به بالا بودن حجم جامعه، از روش تعیین همبستگی اسپیرمن استفاده می‌شود. ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن با حرف یونانی ρ_s (رواندیس ρ) نشان داده می‌شود و مقدار آن از رابطه‌ی شماره‌ی ۱ به دست می‌آید:

$$\rho_s = 1 - \frac{6 \sum d^2}{N^3 - N} \quad \text{رابطه‌ی (۱)}$$

پس از تحلیل نرم‌افزاری داده‌های میدانی نتایج زیر به دست آمد.

جدول ۵. همبستگی بین دو جامعه به صورت مجزا

مید	اردکان		
۰/۸۱۸**	۱	ضریب همبستگی	اردکان
۰/۰۰۱		سطح معنا داری	
۱۲	۱۲	جامعه آماری	
۱	۰/۸۱۸**	ضریب همبستگی	مید
	۰/۰۰۱	سطح معنا داری	
۱۲	۱۲	جامعه آماری	

داده‌های آزمون اول که در سطح معناداری آلفا ۰/۰۵ تنظیم شده است، نشان‌دهنده‌ی این نکته است که بین تک تک سؤال‌های مندرج در پرسش‌نامه‌ی مورد نظر در هریک از دو جامعه‌ی آماری، همبستگی بالایی وجود دارد و این امر بیان‌کننده‌ی این واقعیت است که متغیر مستقل پژوهش، یعنی مهر مکان به روشنی در بین جواب‌های هریک از پاسخ‌گویان قابل ردیابی است و تأثیر آن را می‌توان از نحوه‌ی پاسخ‌گویی آنها دریافت. بدین ترتیب فرض H_0 مبنی بر عدم وجود همبستگی بین هر کدام از جوامع آماری، به نفع فرض H_1 مبنی بر وجود همبستگی بین هر کدام از جوامع مورد نظر رد می‌شود.

جدول ۶. همبستگی بین دو جامعه

مید	اردکان		
۰/۶۳۶*	۱/۰۰۰	ضریب همبستگی	اردکان
۰/۰۲۶	.	سطح معنا داری	
۱۲	۱۲	جامعه آماری	
۱/۰۰۰	۰/۶۳۶*	ضریب همبستگی	مید
.	۰/۰۲۶	سطح معنا داری	
۱۲	۱۲	جامعه آماری	

*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

و اما آزمون دوم، یعنی سنجش میزان همبستگی بین دو جامعه‌ی آماری با توجه به سطح معناداری $\alpha/0.5$ ، مقدار 0.636 برآورد شد و این امر حاکی از همبستگی مثبت بین دو جامعه‌ی آماری در رابطه با متغیر مورد سنجش، یعنی مهر مکان و رقابت‌های ناشی از آن است، پس با این تفاسیر می‌توان ادعا کرد که فرض H_1 مبنی بر تأثیرگذار بودن مهر مکانی در رقابت شهرهای اردکان و میبد تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

امروزه توجه به مؤلفه‌های سرزمینی در قالب مفاهیم مکان، فضا، محل، منطقه و ناحیه، اساس تعریف و تحدید هویت اجتماعات انسانی قرار گرفته است. ناحیه و مکان، برای افراد و گروه‌های مختلف ارزشمند است؛ زیرا عناصر و اجزای هویت آنان را تشکیل می‌دهد. یکی از نتایج چنین رخدادی، بروز رقابت‌های مکانی است؛ این رقابت‌ها در مناطق مختلف جغرافیایی و در دوره‌های مختلف زمانی، خود را به اشکال گوناگون به نمایش می‌گذارند. پتانسیل نقش‌آفرینی و کارکردی عناصر و ساخت‌های مکانی - فضایی در راستای تأمین نیازهای انسانی، پتانسیل ارزشی مکان و فضا و اهمیت آن را در ذهن و برداشت بازیگران سیاسی و اجتماعی شکل می‌دهد و انگیزه‌ی تصاحب و دسترسی به آنها را به‌منظور تأمین خواست‌ها و نیازهای خود پدید می‌آورد و اقدام و حرکت و رفتارهای رقابتی یا همکاری را در بازیگران سبب می‌شود. در یک دید کلی این رقابت‌ها در سه سطح ذهنی، گفتاری و رفتاری و نشانه‌های فضایی آن تشریح شد.

سؤال اصلی پژوهش عبارت بود از: شناسایی علل ریشه‌ی تداوم رقابت‌های مکانی اردکان و میبد با توجه به همگونی کامل دو شهر یاد شده از لحاظ فرهنگی؛ با توجه به ادبیات موجود در این ارتباط فرض اصلی این مقاله این گونه صورت‌بندی شد که ریشه‌ی این اختلاف‌ها را نه تنها در مسائل امروزی بخش‌بندی‌های کشوری، بلکه باید در مهر مکان و تعلقات ناشی از آن دانست که در گذشته‌ی روابط متقابل این دو شهرستان قابل مشاهده است. به‌منظور ارزیابی فرضیه‌ی پژوهش، ضمن انجام مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی که نتیجه‌ی آن حکایت از استمرار تاریخی این رقابت بین دو شهر یاد شده است، مطالعات میدانی نیز در چارچوب طراحی یک پرسش‌نامه انجام شد که تحلیل یافته‌های میدانی، حکایت از همبستگی بالای دو جامعه در ارتباط نقش مهر مکان با شکل‌گیری رقابت‌ها مکانی بین دو شهر دارد. پس به این ترتیب یافته‌های میدانی و کتابخانه‌ای این پژوهش، به خوبی ما را در جهت دستیابی به پاسخ سؤال اصلی رهنمون و جای هیچ‌گونه تردیدی نمی‌گذارد که برای حل و فصل مشکلات موجود، نباید با دیدی مکانیکی به قوانین و مقررات بخش‌بندی‌های کشوری، بلکه با تحلیلی تاریخی جغرافیایی روابط این دو شهر، زمینه را برای کاهش تنش‌ها و به‌کارگیری تمام پتانسیل‌های موجود در منطقه برای شکوفایی و بالندگی محلی و ناحیه‌ای فراهم آورد.

سپاسگزاری

نویسندگان این مقاله بر خود لازم می‌دانند از کارکنان کتابخانه‌ی وزیری یزد و کتابخانه‌ی معاونت برنامه‌ریزی استانداری یزد که در به سرانجام رسیدن این پژوهش یاری‌رسان بوده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را به‌جای آورند.

منابع

1. Abuee Mehrizi, M. R., 2004, **Yazd Neamatolahi Sadat of Safavie Age**, Yazd, Raihane Alrasool, Publication. (*In Persian*)
2. Afkhami Aghda, A.R., 1997, **Review and Understand the Interrelationships of City and Urban Spatial Structure in Ardakan**, Isfahan University. (*In Persian*)
3. Afshar Sistani, I., 1999, **Recognition of Yazd**, Hirmand Publication, Tehran. (*In Persian*)
4. Ahmadi, A. & Ahmadipoor, Z., 2005, **Administrative Divisions of the Less Developed Regions, With Emphasis on Spatial Competition**, Conference Proceedings Conference Management Policies and Development Programs in Iran, Higher Education and Research Institute of Management and Planning, Tehran. (*In Persian*)
5. Ahmadipoor, Z. & Mansourian A. R., 2006, **Administrative Divisions and Political Instabilities in Iran (1906-1978)**, Geopolitics Quarterly, Vol. 2, No. 1, PP. 62-89. (*In Persian*)
6. Ahmadipoor, Z., 1999, **A Review of the History and Evolution of Divisions in Iran**, Growth of the Geography Journal, Vol. 14, No. 50, PP. 27-35. (*In Persian*)
7. Aiati, A., 1938, **History of Yazd**, Golbahar Publication, Yazd. (*In Persian*)
8. Akhbari, M. & Yadolahi, M., 2006, **Khorasan Province Division Decision-making Process and the Social Political Effects**, Geopolitics Quarterly, Vol. 1, No. 2, PP. 23-42. (*In Persian*)
9. Amid Zanjani, A., 1985, **Home Land and Territory**, Office of Islamic Culture Publication, Tehran. (*In Persian*)
10. Amir Ahmadian, B., 2004, **State Division, the Cultural Research Office**, Tehran. (*In Persian*)
11. Bashirihe, H., 2004, **Political Ideology and Social Identity in Iran**, Research and Development Institute of the Humanities Publication, Tehran. (*In Persian*)
12. Eatemadolsaltane, M. H., 1985, **Merato Albaldan**, Asfar Publication, Tehran. (*In Persian*)
13. Esfanjari Kenari, E., 2007, **The City is Meybod**, First Publication, Esfanjari Kenari, E., 2007, **The City is Meybod**, First Publication, Cultural Heritage and Tourism Publications, Meybod. (*In Persian*)
14. Falah Mahdavi, H., 2003, **The City Order of Yazd Province, and the Optimal Planning**, University of Yazd Publication, Yazd. (*In Persian*)
15. Falaht, M. S., 2006, **Sense of Place and Factors Forming it**, Tehran: Arts Journal, Vol. 1, No. 26, PP. 57-66. (*In Persian*)
16. Farahi, M., 1999, **Evolution of Mapping and Administrative Divisions of Iran from 1876 to 2004**, Political and Social Affairs Ministry of Country, Tehran. (*In Persian*)
17. Farid, Y., 2000, **Foundations of Cognitive Science and Human Geography**, Ahar, Azad University of Ahar Publication, Ahar. (*In Persian*)
18. Ghaderi Hajat, M., 2009, **Indexing of Politics and Space of Political Geography**, TMU Publication, Tehran. (*In Persian*)
19. Ghanbari, GH., 2008, **The Analysis of Impressive Factors on the Promotion of Levels of Country's Divisions (Case: Fars Province)**, TMU Publication, Tehran. (*In Persian*)
20. Great Islamic Encyclopedia, 1996, under Kazem Mousavi Bojnourdi, the Center of Great Islamic Encyclopedia, Tehran. (*In Persian*)
21. Hafeznia, M. R., 2000, **Basic A Political Readings – Social, Qom**, Organization of Seminaries and Schools Abroad Publication, Qom. (*In Persian*)

22. Hafeznia, M. R., 2006, **Principles and Concepts of Geopolitics**, Papoli Publication, Mashhad. (*In Persian*)
23. Hafeznia, M. R., Ahmadipoor, Z., Ghaderi Hajat M., 2010, **Politics and Space**, Papoli Publication, Mashhad. (*In Persian*)
24. Hafeznia, M. R., Kaviani, M., 2004, **New Horizons in the Political Geography**, Samt Publication, Tehran. (*In Persian*)
25. Haget, P., 2003, **A New Geography**, translated by: Shapoor Godarzi Nejjhad, Samt Publication, Tehran. (*In Persian*)
26. Hague, C., 2005, **Planning and Place Identity. Place Identity**, Participation and Planning, Rutledge, London.
27. Haji Shabani, M., 1988, **Meybod and National Divisions**, Yazd County, Yazd. (*In Persian*)
28. Hamidi, A., 1993, **Meybod City, the Place of Civilization, Thought, Industry**, Farmandari Publication, Maybod. (*In Persian*)
29. Hamoon, Study Group, 1986, **Comprehensive Study of Economic and Social Development in Yazd Province**. (*In Persian*)
30. Haydarihezade, M., 1978, **Maybod District**, Chekide Publication, Tehran. (*In Persian*)
31. Hosaini- Rad, R., 1992, **Analyses of Economic Development Area of Yazd from Land Preparation**, Emam Sadegh University. (*In Persian*)
32. Hoshiar, M.M., 2000, **Administrative Divisions of North Khorasan Pattern Analysis, Case Study: City Esfarayen**, TMU Publication, Tehran. (*In Persian*)
33. Jafari, M., 2005, **The History of Yazd, Iraj Afshar Efforts**, Publishing Co., Scientific and Cultural Publication, Tehran. (*In Persian*)
34. Janeb Elahi, M. S., 2004, **Forty Meybod Speeches in Anthropology**, Home Office Subterranean Culture and Technology, Rushanan Publication, Tehran. (*In Persian*)
35. Janston, R., 2000, **The Place & Location Geographical**, Translated by: Tabrizi Jalal, Political Studies and International Affairs Publication, Tehran. (*In Persian*)
36. Jones, M. & Others, 2007, **Interdiction on Political Geography**, Translated by: Pishgahifard, Zahra, Akbari Rasul, University of Tehran Publication, Tehran. (*In Persian*)
37. Karimipoor, Y. & Momhmadi H. R., 2009, **Geopolitical Regionalism and Administrative Divisions of Iran's**, Entekhab Publication, Tehran. (*In Persian*)
38. Karimipoor, Y., 2002, **Introduction on Administrative Divisions of Iran's**, Iranian Geographical Association, Tehran. (*In Persian*)
39. Katbi M., 1985, **The History of al Mozafar**, Amir Kabir Publication, Tehran. (*In Persian*)
40. Kateb, A., 2007, **The History of Yazd**, Amir Kabir Publication, Tehran. (*In Persian*)
41. Kaviani- Rad, M., 2010, **Regionalism in Iran from the Perspective of Political Geography**, Institute for Strategic Studies Publication, Tehran. (*In Persian*)
42. Madanipoor, A., 2000, **Urban Design Perspective on Social Process and Spatial**, Corporate Planning and Processing Publication, Tehran. (*In Persian*)
43. Mir Haidar, D., 2002, **Study the Geography - Regional Policy and its Feasibility in Iran**, Journal of Geographical Research, Vol. 1, No. 42, PP. 49-64. (*In Persian*)
44. Mirkatoli, J. & Manafi Azar, R., 2009, **Introduction to the Economics of Space**, Gorgan University Publication, Gorgan. (*In Persian*)
45. Mojtahedzade, P., 2002, **Political Geography– Geographical Division**, Samt Publication, Tehran. (*In Persian*)
46. Molla Hoseyni, R., 2007, **Changes in Electoral Districts Yazd and Model**, Research Project, Yazd Province, Yazd, (*In Persian*)

47. Muir, R., 2000, **New Income on Political Geography**, Translated by: Dore Mir Haidar, Armed Forces Geographical Organisation, Tehran. (*In Persian*)
48. Mussavi-nejad, S. R., 1987, **Economic Geography of the City Meybod**, Geography BSc Thesis Guide by Dr. Ghavidel, Yazd University, Yazd (*In Persian*)
49. Mustofi Bafghi, M. M., 2006, **Jamea Mofidi**, Asatir Publication, Tehran. (*In Persian*)
50. Mustofi, H., 1983, **Nozhatol Alghloob**, Doniai Ketab Publication, Tehran. (*In Persian*)
51. Navab Razavi, M. M., 2009, **Vakil Taolie Memoirs**, Sokhan Publication, Tehran. (*In Persian*)
52. Pakzad, J., 2009, **Theoretical and Urban Design Process**, Department of Housing and Urban Development Publication, Tehran. (*In Persian*)
53. Piri Ardakani, N., 2009, **The Limpidity Springs (Collection of Written Documents Ardakan)**, Zakhaer Eslami Publication, Qom. (*In Persian*)
54. Pishgahi fard, Z., 2001, **Scanning Election in Ardakan and Meybod**, Tehran University Faculty of Literature and Humanities, Tehran. (*In Persian*)
55. Puia, S.A., 1992, **Ancient Landscape of Meybod**, Eslamic Azad University Publication, Yazd. (*In Persian*)
56. Purzarea Barfruee, M., 2008, **Place on How to Organize the Competition for Political Space (Case Study Cities and Meybod Ardakan)**, Eslamic Azad University, Tehran. (*In Persian*)
57. Roknaldin, S., 1986, **Jameo Alkhyrat**, Oughaf Publication, Yazd (*In Persian*)
58. Sepehri Ardakani, A., 1995, **The History of Ardakan**, Hanin Publication, Ardakan (*In Persian*)
59. Sepehri Ardakani, A., 2007, **Small Greece**, Ghedasat Publication, Ardakan. (*In Persian*)
60. Shakoe, H., 1999, **New Ideas in Philosophy of Geography**, Organization of Geography Publication, Tehran. (*In Persian*)
61. Shakoe, H., 2003, **Philosophy Environmental and Schools of Geographical**, Gitashenasi Publication, Tehran. (*In Persian*)
62. Shiee, E., 2002, **An Introduction to the Principles of Urban Planning**, Ealmo Sanat University Publication, Tehran. (*In Persian*)
63. Statistical Yearbook of Yazd Province, 2010, County Planning Department, Yazd. (*In Persian*)
64. Tabatabaee Ardakani, S. M., 2000, **Dialect Dictionary Ardakan**, Pishin Pajoh Institute Publication, Tehran. (*In Persian*)
65. Tabatabaee Ardakani, S. M., 2002, **Public Cultural of Ardakan**, Council of Public Culture, Yazd Province, Tehran. (*In Persian*)
66. Tahari, A., 1938, **The History of Yazd**, Golbahr Publication, Yazd. (*In Persian*)
67. Tanksis, F., 2009, **Space, City and Social Theory, Social Relations and the Urban Shape**, Translated by: Parsi Hamidreza & Aflatuni Arezoo, University of Tehran Publication, Tehran. (*In Persian*)
68. Tarab Naeini, M. B. M., 1974, **Jamea Jafari, Iraj Afshar Efforts**, Association of National Monuments Publication, Tehran. (*In Persian*)
69. Tashaioe, 1989, **Encyclopedia**, Under Ahmad Sadr Haj Seyed Javad, Kamran Fani and Baha al-Din Khorramshahi, the Organization of Tashaioe Encyclopedia, Tehran. (*In Persian*)
70. Tashakor Bafghi, A. A., 1998, **Constitutionalism in Yazd**, Press Center of Yazd Publication, Yazd. (*In Persian*)